

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علویّات: کلمه دویست و چهل و ششم

شرحی بر کلمات قصار حضرت علی – علیه السلام

جمعه ۱۴ - ۰۹ - ۱۴۴۱؛ ۱۹ - ۰۲ - ۱۳۹۹؛ ۰۸ - ۰۵ - ۲۰۲۰

علویّات: کلمه دویست و چهل و ششم

خود وصیّ خویش باش

قَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ وَ اَعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ! (کلمات قصار، ۲۴۶)

(ای فرزند آدم، وصیّ خودت باش در مالت، و چنان کن که برگزیده‌ایی تا عمل شود در آن بعد تو!)

Amir al-mu'minin, peace be upon him, said :O son of Adam, be your own executor regard to your fortune, and do with it whatever you have chosen to be done with it after you!

علویّات: کلمه دویست و چهل و ششم

اهل ایثار

• سعدی در دیباچه گلستان:

هر دم از عمر می رود نفسی

برگ عیشی به گور خویش فرست

چون نگه می‌کنم نمانده بسی

کس نیارد ز پس، ز پیش فرست

• خدای تعالی در سوره مبارکه حشر فرماید:

وَ الَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ

لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹: ۵۹ الحشر) (و [نیز] کسانی که جای گرفتند در

سرای [هجرت] و ایمان قبل از آنان (مهاجران)، دوست دارند هر کس را که به سوی آنان هجرت کرده‌است، و نمی

ابند حاجتی در سینه‌های خود نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، برمی‌گزینند بر خود هر چند بر خودشان خلی

است. پس، هر کس از خست نفس خود مصون داشته شود، آنان رستگارانند).

علویات: کلمه دویست و چهل و ششم

صدقه به دست خود

• مولانا، جلال الدین محمد بلخی، در دفتر سوم مثنوی، بخش ۱۹۸:

تا که مہمان باز گردد شکر ساز
تا به جای نِعَمَتِ مُنِعِم رَسَد

پیش شہ گوید ز ایثار تو باز
جُمْلہ نِعَمَتِهَا بَرَد بر تو حَسَد

• عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ قَدْ وَكَلْتُ بِهِ مَنْ يَقْبِضُهُ غَيْرِي إِلَّا الصَّدَقَةَ فَإِنِّي أَتَلَقُّهَا بِيَدِي تَلَقُّفًا حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَصَدَّقُ بِالتَّمْرَةِ أَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَأُرِيهَا لَهُ كَمَا يُرِي الرَّجُلُ فَلُوَّهُ وَ فَصِيلَهُ فَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ مِثْلُ أُحُدٍ وَ أَعْظَمُ مِنْ أُحُدٍ. (امام صادق - علیه السلام - خدای تبارک و تعالی می فرماید: برای هر عمل خیری، کسی را وکیل کرده‌ام که آن را تحویل بگیرد، غیر از صدقه که خودم با دستم فوراً آن را می‌گیرم ممکن است مردی یا زنی يك دانه یا يك نصف دانه خرما صدقه بدهد، من آن را آنقدر بزرگش می‌کنم مانند بزرگ کردن کره اسب یا بچه تا جایی که روز قیامت مرا ملاقات می‌کند در حالی که آن يك دانه یا نیم دانه خرما به اندازه کوه احد گردیده است.)

علویّات: کلمه دویست و چهل و ششم

اهل کرم

• حافظ:

توانگرا دل درویش خود به دست آور
بدین رواق زبرجد نوشته‌اند به زر

چو بر روی زمین باشی توانایی غنیمت دان
بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است

احوال گنج قارون کایام داد بر باد

که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

که دوران ناتوانی‌ها بسی زیر زمین دارد
که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه چین دارد

در گوش دل فروخوان تا زر نهان ندارد

علویّات: کلمه دویست و چهل و ششم

اهل کرم

• مولانا، در غزلیّات:

بیا تا قدر یک دیگر بدانیم
چو مؤمن آینه مؤمن یقین شد
کریمان جان فدای دوست کردند

که تا ناگه ز یک دیگر نمائیم
چرا با آینه ما روگرانیم
سگی بگذار ما هم مردمانیم

مولانا، جلال الدین محمد بلخی، در دفتر سوم مثنوی، سر آغاز

کوه طور آندر تجلی حلق یافت
صار دگا منه وانشقّ الجبل
لُقمه بخشی آید از هر گس به گس
حلق بخشد جسم را و روح را
این گهی بخشد که اِجلالی شوی
تا نگویی سیر سلطان را به گس

تا که می نوشید و می را برنتافت
هل رایتُم من جبل رقص الجمل
حلق بخشی کار یزدان است و بس
حلق بخشد بهر هر عضو جدا
وز دغا و از دغل خالی شوی
تا نریزی قند را پیش مگس